

در خصوص هر دو انقلاب اسلامی ایران و انقلاب اسلامی در شبه جزیره عربستان در قرآن و روایات پیشگوئی‌هایی بیان شده و بشارتهایی داده شده است.

سعیدی شاهرودی، رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا؛



علی سعیدی شاهرودی، رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا در گفت و گو با ارگان رسمی اطلاع رسانی حوزه های علمیه گفت:

پدیده انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را به یقین می توان پس از هجرت پیامبر اکرم(ص) مهمترین حادثه تاریخ اسلام به شمار آورد.

به گزارش اسپادانا خبر، او اظهار داشت:

بین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب اسلامی در شبه جزیره عربستان پیوند و ارتباطی منطقی و روشن و نقاط اشتراک زیادی وجود دارد. در خصوص هر دو انقلاب در قرآن و روایات پیشگوئی‌هایی بیان شده و بشارتهایی داده شده است. در مورد انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن نیز دهها روایت از پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که یا به صورت کلی و یا مصداقی به این موضوع اشاره دارد.

وی گفت:

اقتضا و التزام قطعی نظام دینی در عصر پیامبر این بود که ایشان علاوه بر ظرفیت دریافت وحی، از علم غیب، عصمت و مصونیت ذاتی از خطا و گناه نیز برخوردار باشد که چنین ویژگی در پیامبر اسلام وجود داشت و از این رو انتخاب آن بزرگوار با خداوند متعال بود. قهراً پس از پیامبر نیز تداوم حاکمیت دینی اقتضا داشت که رهبری بعد از پیامبر از دو ویژگی مهم یعنی علم غیب و عصمت و مصونیت ذاتی برخوردار باشد. این شرایط و الزامات در شخص علی ابن ابیطالب (علیه السلام) پیش بینی شده بود و انتخاب آن حضرت هم از سوی ذات ربوبی و با معرفی پیامبر صورت گرفت اما پس از رحلت پیامبر این مبنا نقض شد و مشروعیت الهی حاکم و رهبری تغییر پیدا کرد و کسانی در جای پیامبر قرار گرفتند که فاقد شرایط و الزامات این جایگاه بودند. آنچه در عصر کنونی و در قالب انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد بازگشت به مبنای تعیین شده بود یعنی مشروعیت رهبری با دو شرط عدالت واقعی، اجتهاد و انتخاب خبرگان و تأیید مردم به صورت عام بر اساس شاخصهای تعیین شده توسط پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام). انقلاب اسلامی ایران پیوند وثیقی را بین قرآن و عترت به وجود آورد و ضمن اینکه اتکاء به فرهنگ و معارف بسیار گسترده و عمیق آن را در دستور کار خود قرار داد به تدوین و نشر آثار گرانسنگ اهل بیت نیز همت گماشت و تشیع، این گنجینه الهی و میراث پیامبر و اهل بیت را که دیگران بیش از ۱۵ قرن در تلاش بودند به انزوا بکشاند به صورت یک جریان پویا و بالنده به جهانیان معرفی نمود.

او گفت:

از دیگر امور مشترک این دو انقلاب توحیدی، معاصرت و همزمانی آنها با دو ابرقدرت می باشد. انقلاب اسلامی اوّل با دو

ابر قدرت ایران و روم هم عصر بود. در ایران امپراتوری ساسانی در یک جغرافیای گسترده با آئینها و مسلکهای تحریف شده، التقاطی و شرک آلود، اعمال حاکمیت می کرد. در روم قدیم و اروپای امروز نیز با الحاق بخشهای غربی و شرقی توسط کنستانتین، امپراتوری در وسعت گسترده ای شکل گرفته بود که با رسمیت آئین مسیح توسط کنستانتین در قرن پنجم عملاً سلطه فکری - ایدئولوژیک و سیاستگذاری در بسیاری از امور مربوط به دین، فرهنگ و دانش به عهده دستگاه پاپ و کلیسا با آئینی تحریف شده و شرک آلود قرار گرفت. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در این شرایط در سال ۶۱۲ میلادی بعثت خود را آغاز کرد و نظامی را مستقل از امپراتوریهای موجود با تکیه بر توحید و مکتب اسلام ساماندهی نمود. در سال های نخستین شکل گیری حکومت دینی در صدر اسلام و استقرار ساختار و سازمان و مأموریتها و تعیین شاکله حکومت دینی، پیامبر اعظم در جهت تقابل با شرک و کفر و نجات انسانها از سیطره حاکمان طاغوتی و غیردینی در تماس با سران امپراتوریه، آنان را به توحید و اسلام دعوت نمودند که این حرکت پیامبر زمینه ساز ورود اسلام از غرب تا اسپانیا و از شرق تا اندونزی گردید به طوری که انقلاب اسلامی در سرزمین ایران در حقیقت پرتوی از انوار نورانی پیامبر بود که پس از ۱۵ قرن حکومت دینی را در این مکان مقدس تجلی بخشید. انقلاب اسلامی دوم نیز در حالی به وقوع پیوست که جهان در سلطه و سیطره دو ابر قدرت آمریکا و اتحاد شوروی قرار گرفته بود و کشورهای جهان یا جزو بلوک و قطب غرب و زیر سلطه و حمایت آمریکا و یا جزو اردوگاه شرق و تحت حمایت اتحاد شوروی بودند. از یک سو کشورهای تحت سلطه آمریکا ذیل نظام سرمایه داری غرب بودند و از سوی دیگر نیز کشورهای تحت سلطه اتحاد شوروی با حاکمیت سوسیالیسم و کمونیسم اعمال مدیریت می شدند. انقلاب اسلامی ایران در این دو قطبی بین المللی با شعار «نه شرقی و نه غربی» و با اتکاء به اسلام ناب پا به عرصه وجود گذاشت و درصدد برآمد شکوه و عظمت حکومت پیشین را احیاء نموده و زمینه ساز احیای تمدن اسلامی گردد. انقلاب اسلامی ایران با اتکاء به مبانی و اصول، ضمن آگاه سازی جامعه جهانی نسبت به اسلام راستین و افشای جنایات مستکبرین در مقابل استکبار و کفر جهانی به مقابله برخاست و با شکل دهی جبهه مقاومت، جهاد فراگیری را در جهت وحدت جهان اسلام در دستور کار خود قرار داد به طوری که اکنون جبهه مقاومت توانسته بسیاری از دسیسه ها و نقشه های بزرگ و کوچک آمریکا و رژیم صهیونیستی را خنثی نماید. از دیگر نقاط اشتراک انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلاب اسلامی دوم با انقلاب اسلامی پیامبر، مواجهه و رویارویی هر دو انقلاب با جاهلیت است. انقلاب اسلامی اول در شرایطی خاص و در جامعه های به وقوع پیوست که در نهایت جاهلیت به سر می برد و همه ارزشهای الهی آن دوران یا دستخوش تحریف شده و یا با ضدارزشها جایگزین شده بود. انقلاب اسلامی ایران نیز همچون سلف خود با جاهلیت سنتی مواجه بود اکنون با جاهلیت مدرن مواجه می باشد. به بیان دیگر، یعنی همه ویژگیهای عصر جاهلیت سنتی که قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان رواج داشته امروز نیز در جهان غرب به صورت گسترده و فراگیر وجود دارد.

وی اظهار داشت:

پنجمین نقطه اشتراک انقلاب اسلامی ایران با انقلاب اسلامی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مواجه بودن هر دو انقلاب با طیفهای متنوع فکری و گفتمانهای انحرافی می باشد. از دیگر نقاط مشترک دو انقلاب اسلامی مواجهه با انواع جنگ ها در قالب جنگ ترکیبی است. جنگ ترکیبی به معنای بهره گیری یک بازیگر از همه شیوه ها اعم از نظامی، اطلاعاتی، انتظامی، شناختی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک در برابر جبهه رقیب و در جهت تحمیل اراده و یا بی ثباتی در کشور هدف می باشد.

او گفت:

نظام ولایی با نظام خلافتی، سلطنتی موروثی و همچنین نظامهای متکی بر انتخابات اکثریت متفاوت است. در این نظام سلسله مراتب ولایی با شاخصهای خاصی از سوی خداوند تعریف شده و دارای شرایط و ویژگیهای است. پیامبر باید دارای علم غیب و عصمت باشد، امام بعد از پیامبر هم باید دارای علم غیب و عصمت باشد و ولی فقیه در دوران غیبت امام معصوم نیز باید دارای عدالت واقعی و اجتهاد باشد. در چنین نظامی انتخاب یا از سوی خداوند است یا از سوی پیامبر یا از سوی امام معصوم قبلی است و یا توسط خبرگان صورت می گیرد. در چنین چارچوبی جلوی دستیابی قدرت طلبان، سیاست بازان و دنیا طلبان که به هر وسیله ای برای دستیابی به قدرت متوسل می شوند، گرفته شده و مسیر ورود آنان به عرصه حاکمیت بسته است. قانون گذاری در نظام ولایی هم دارای معیارهایی است که شکل گیری آن سازوکارهای خاص خود را دارد: قانونگذار حقیقی ذات ربوبی است و پیامبر و امام معصوم با اتکاء به عصمت و علم غیب، برای عملیاتی سازی و اجرایی نمودن مبانی و اصول تعیین شده و تبیین احکام الهی، قانونگذاری و چارچوب تعیین می کنند یعنی اصل نبوت و امامت و دیگر اصول با ذات ربوبی است و ایجاد زمینه مدیریت در جامعه نیاز به مقررات، ساختار و سازمان دارد که برعهده پیامبر و امام می باشد. به عنوان نمونه اصل تشریع جهاد، نماز، روزه و دیگر فروع دین با ذات ربوبی است اما تعیین چارچوب و احکام آن برعهده پیامبر و امام است. بر همین اساس نظام ولایی و چگونگی انتخاب رهبری و یا قانونگذاری و دستیابی به انسانی با دو ویژگی عصمت و علم غیب و دیگر شرایط ضروری از طریق مراجعه به آراء عمومی امکانپذیر نیست. از این رو همواره دشمنان و مخالفین درصدد تغییر در مبانی و اصول و در نتیجه تغییر نظام ولایی به یک نظام معمولی هستند تا راه برای دستیابی آنان به قدرت باز شود. پس از استقرار نظام ولایی- اسلامی در عصر نبوی، اصحاب قدرت و ثروت تلاش زیادی را برای تغییر در مسیر حرکت این انقلاب و تغییر در ارکان آن به وجود آوردند که به رغم همه برنامه ریزی ها و نقشه ها، توفیقی کسب نکردند اما پس از رحلت پیامبر و با وجود همه اقدامات رهبری انقلاب در راستای تحقق تدابیر خداوند، همه مستندات را نادیده گرفته و با نقض مبانی و اصول آن به طور کلی زعامت علی(علیه السلام) پس از پیامبر را زیر سؤال برده و انکار کردند. در ادامه نیز نظام ولایی را به نظام خلافتی تغییر دادند که پس از چند دهه به حکومت سلطنتی موروثی خاندان اموی تغییر جهت داد. در انقلاب اسلامی ایران دشمنان خارجی، ارتجاع منطقه، جریان قدرت و ثروت و دگراندیشان در داخل، از ابتدا تلاش زیادی را برای تغییر مبانی، اصول و قانون اساسی و یا تصرف در محتوای اصل ولایت فقیه در دستورکار قرار دادند که امام (ره) و رهبری معظم انقلاب با ایستادگی بر مبانی و اصول، این تلاشها را خنثی نمودند.

او گفت:

از دیگر نقاط مشترک بین دو انقلاب اسلامی در دو مقطع طولانی پرداخت هزینه توسط دو انقلاب می باشد. انقلاب اسلامی ایران نیز بدون پرداخت هزینه به پیروزی نرسید و پایداری و پایداری و ماندگاری انقلاب مرهون پرداخت هزینه های سنگین توسط پیشینیان و پیشکسوتان، رهبران، خواص و مردم بوده است. از دیگر وجوه مشترک انقلاب اسلامی ایران با انقلاب اسلامی به رهبری حضرت محمد(ص) نیز دستاوردها و پیامدهای دو انقلاب است. انقلاب اسلامی ایران با توجه به مبانی و اصول خود نسبت به ساماندهی حاکمیت دینی اهتمام ورزید و برای اولین بار در تاریخ ایران حاکمیت را در قالب یک نظام با ارکان، ساختار، سازمانها و نهادهای مشخص و الزامات هر یک سازماندهی نمود و یک نظام حکومتی دارای توزیع وظایف و اختیارات به منصف ظهور رسید. انقلاب شریعت را در تار و پود نظام ساری و جاری نمود. مشترکات دیگری همچون اصول حاکم بر رفتار رهبران الهی، شیوه های مشترک سردمداران کفر و شرک در برابر حکومت دینی در گذشته و حال بین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب اسلامی به رهبری پیامبر اعظم وجود دارد.

او گفت:

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مبانی و اصول مورد تأیید پیامبر و ائمه معصومین شکل گرفت و اراده بر این امر استوار بود که همه آرمانهای نبوی و علوی در آن جامه عمل بپوشد که در محدوده مقدرات عصر غیبت چنین امری محقق گردید و امام خمینی (ره) توانست طرف مدت دو دهه هم بستر انقلاب را فراهم نماید و هم از طریق پردازش و اجرای نظریه ولایت فقیه، مراحل اساسی و زیربنائی نظام را تحقق بخشد. بی تردید برای تداوم آرمانها ضرورت داشت حاکمیت ولایت فقیه پس از امام تداوم داشته باشد که بحمدالله چنین امری محقق گشت و فقیهی جامع الشرایط زمام امور را پس از امام در دست گرفت و همین مسئله نقطه تفاوت و تمایز انقلاب اسلامی ایران با انقلاب صدر اسلام می باشد.

برچسب ها: [ولایت فقیه](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[تاریخ](#) [3]